روزنامه شرق

شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۰ • ۲۷ شعبان ۱۴۴۲ • ۱۰ آوریل ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۷۳ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

دسترسی به شبکه اجتماعی محبوب این روزها محدود شد

«کلاب‌هاوس» زیر تیغ فیلتر؟

گروه اقتصاد: شبکه اجتماعی صدامحوری که در ماه‌های گذشته به شهرت و محبوبیت فراوانی دست پیدا کرد و در ایران هم محل پرسش‌وپاسخ بعضی وزرا و مدیران ارشد شد، حالا در یک‌قدمی فیلتر است؛ اگرچه در زمان تنظیم...

صفحه ۵

نواختن سوت نخستین قطار ملی در ایستگاه تهران

شهردار تهران: در ۱۰ سال آینده ۵۰۰۰ واگن مترو نیاز داریم

گروه جامعه: دو روز پیش بالاخره سوت نخستین قطار ملی در تهران و در مراسمی با حضور شهردار تهران و همچنین حضور ویدئوکنفرانسی رئیس‌جمهوری نواخته شد تا گامی مهم برای رفع نیاز متروهای کلان‌شهرهای ایران برداشته شود...

صفحه ۵

احمدعلی رضابیگی، نماینده مجلس در گفت‌وگو با «شرق»:

وزیر کشور مسئول حوادث آبان ۹۸ است

صفحه ۳

حسین دهقان در گفت‌وگو با «شرق»:

دوره طایفه‌گرایی تمام شده

- من معتقدم رئیس‌جمهور اختیارات کافی برای اداره کشور را دارد
- نباید اجازه دهیم مسائل امنیت ملی موضوع کف خیابان شود
- کاندیدای نظامی و غیرنظامی برای مردم فرقی ندارد
- باید با محدودیت‌ها جنگید

عکس: سهند تاکی، شرق

صفحه ۲

تیترها

لشکر سربازان ۱۴۰۰ در غیاب ژنرال‌ها

صفحه ۲

چرا ملک ایران در آنکارا فروخته می‌شود؟

سخنگوی وزارت خارجه توضیح می‌دهد

صفحه ۴

دیپلماسی شاخه گل عربستان؟

صفحه ۱۱

«آستین» مأمور احیای رابطه آمریکا و ناتو

صفحه ۸

۳ روایت از اصلاحات و انتخابات

عارف، موسوی‌لاری و سیدحسن خمینی تشریح کردند

صفحه ۹

مکالمات وین همچنان ادامه دارند

صفحه ۴

سرمقاله

سیاست مسحورشدگی

احمد غلامی . سردبیر

انتخابات ۱۴۰۰، انتخاباتی بدون کانون‌های جاذبه است و همین خلأ موجب شده نامزدهای این دوره با وضعیت متفاوتی روبه‌رو باشند؛ وضعیتی که اصلا قابل مقایسه با دوره‌های قبل نیست. بدیهی است هر دوره از انتخابات با دوره دیگر آن به دلایل -اجتماعی؛ پویایی یا رخوت جامعه مدنی، اقتصادی؛ بسامانی یا نابسامانی آن و سیاسی؛ گسترش یا تهدید رقابت- متفاوت بوده است. در هر دوره از انتخابات یک یا چند عامل از عواملی که برشمردیم، در پرشوری انتخابات و در مشارکت حداکثری آن تأثیر داشته است. در دوره هاشمی‌رفسنجانی، وضعیت نسبتا مناسب اقتصادی و مهم‌تر از همه پایداری کانون‌های جاذبه انقلاب و مطالبات حداقلی جامعه، انتخاباتی قابل پیش‌بینی را برای یکی از مهم‌ترین چهره‌های انقلاب فراهم کرده بود. اقبال هاشمی‌رفسنجانی در پیروزی چنان آشکار بود که اگر بی‌شمار مردمی نسبت به جمعیت آن زمان پای صندوق‌های رأی نمی‌رفتند، انتخاب او بی‌شباهت به انتصاب نبود. تبعات این پیروزی آسان، این تصور را در آیت‌الله و حامیانش به وجود آورد که او یکی از چهره‌های سیاسی محبوب، بلامنازع و بدون رقیب در عرصه سیاست داخلی ایران است؛ تصور و تصویری که تا پایان دوره اصلاحات یعنی دوره هشت‌ساله محمد خاتمی دوام آورد و ناباورانه در انتخابات دوره نهم در سال ۱۳۸۴ فروریخت. هر سیاست‌مدار دیگری به‌جز هاشمی‌رفسنجانی با پذیرش چنین شکست سنگینی از صحنه سیاست ایران محو می‌شد. او به مردی باخته بود که در شرایطی غیر از این، امکان بروز و ظهورش در سیاست داخلی ایران وجود نداشت. پیروزی ناباورانه احمدی‌نژاد در کانون‌های جاذبه به‌وجودآمده، این باور غلط را در او نهادینه کرد که سبب‌ساز این «انقلاب در انقلاب» بوده است. همین باور نادرست بود که چهره سیاسی او را کاریکاتوریزه کرد؛ چهره‌ای که گذشت زمان بیش از پیش واقعیت وجودی‌اش را عیان کرد. در جذبه همان کانون‌های جاذبه بود که بسیاری از معجزه احمدی‌نژاد سخن می‌گفتند. آنان چنان مجذوب این کانون‌های به‌وجودآمده شده بودند که هرگونه شکست یا رقابت نزدیک برایشان همچون کابوس بود. انتخابات ۸۸ رویارویی کانون‌های جاذبه بود. اگرچه اصلاح‌طلبان در این انتخابات پیروز نشدند، اما کانون جاذبه احمدی‌نژاد را خاموش کردند. ازاین‌رو است که اصولگرایان تندرو کینه اصلاح‌طلبان را به دل گرفتند؛ چراکه اصلاح‌طلبان رؤیایشان را تخریب کرده بودند. احمدی‌نژاد در ۸۸، بازنده یک پیروزی بود و این را خود او بیش از هرکسی می‌دانست. احمدی‌نژاد خود را سبب‌ساز این انقلاب در انقلاب می‌دید، اما جان‌فشانی خیابانی حامیانش در صیانت از منافع این انقلاب در انقلاب به او فهماند که او ذره‌ای بیش از این کانون‌های جاذبه نیست. بعد از ۸۸، احمدی‌نژاد قد علم کرد تا آنچه را تصور می‌کرد خود سبب‌سازش بوده است، دوباره به چنگ آورد و چه چیزی بهتر از مخالفت با آرمان‌های این کانون‌های جاذبه. رفتارهای ساختارشکنانه احمدی‌نژاد از این منظر قابل توجیه است. مسحوران کانون‌های جاذبه خاتمی به این باور رسیده بودند که اندیشه و ایده آنان حیاتی قطعی دارد. شکست ۸۴ حاوی دو شکست بود؛ شکست هاشمی‌رفسنجانی و شکست ایده‌های قطعی اصلاح‌طلبان.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

اقتصاد ایران و آثار مثبت و منفی تفکر «ما می‌توانیم»

ناصر ذاکری

با مروری بر تجربه توسعه کشورهای مختلف می‌توان نتیجه گرفت همه ملت‌هایی که با موفقیت در مسیر توسعه پیش رفته و مراحلی را پشت سر گذاشته‌اند، با باور به توانایی‌های خود و با امید به پیروزی وارد این میدان شده‌اند. به بیان دیگر، همه ملل موفق با تفکر «ما می‌توانیم» حرکت خود را آغاز کرده و از این خوش‌بینی و امید خود نتیجه مثبت و روشن گرفته‌اند. در عرصه ورزش، مربیان بزرگ فوتبال همه بر این اصل محکم و استوار تأکید دارند که اگر تیمی با باور به شکست خود وارد زمین بازی شود، قطعا شکست خواهد خورد و تفکر «ما نمی‌توانیم» نمی‌تواند پیروزی به دنبال داشته باشد. اما سؤال این است که آیا تفکر «ما می‌توانیم» ممکن است علاوه بر آثار مثبت، آثار منفی و به‌اصطلاح بدآموزی هم داشته باشد و به جای کمک به جریان توسعه یک کشور، در نهایت به زیان آن تمام شود؟ بی‌تردید اراده یک ملت زمانی می‌تواند دستاورد مطلوبی برایش به ارمغان بیاورد که جهت درستی برای حرکت انتخاب شود. اما اگر انتخاب مسیر با درک درست از تحول توسعه اتفاق نیفتد، طبعا اراده خلل‌ناپذیر ملت‌ها نمی‌تواند کمکی به ایشان کند. در سال‌های گذشته و در شرایطی که کشورمان درگیر دشواری‌های ناشی از تحریم‌های ظالمانه و کارشکنی و بدعهدی دشمنان و بدخواهان بوده، سیاست‌مداران و دست‌اندرکاران اقتصاد و مدیریت کشور هرکدام به یکی از دو نگرش متفاوت به جریان توسعه کشور روی خوش نشان داده‌اند؛ گروه اول به این باور رسیده‌اند که حل مشکلات اقتصادی کشور و به تعبیری گشودن گره توسعه‌نیافتگی، در گرو اصلاح شیوه تعامل با جهان و تلاش برای حضور هرچه پررنگ‌تر در بازارهای جهانی است. در مقابل، گروه دوم می‌گویند دولت باید توان خود را به جای تلاش برای حل مشکلات سیاست خارجی و رفع تحریم‌ها، صرف رفع مشکلات در داخل کشور کند. به بیان دقیق‌تر، می‌توان گفت هر گروه تفسیر اختصاصی خود را از شعار «ما می‌توانیم» دارد؛ گروه اول می‌گویند ما می‌توانیم در بازارهای منطقه و جهان وارد بشویم و به رقابت با غول‌های میدان تجارت بپردازیم. هرچند در ابتدا سهم ما از منافع تجارت در مقایسه با طرف مقابل اندک خواهد بود، اما می‌توانیم با گذشت زمان شرایط را به نفع خودمان تغییر بدهیم و جایگاه بهتری در سلسله‌مراتب اقتصاد جهانی داشته باشیم. در مقابل، گروه دوم می‌گویند ما می‌توانیم بدون اتکا به بازارهای جهانی و همکاری با شرکای تجاری توانمند، در مسیر توسعه پیش برویم و نیازهای خود را اعم از کالاهای مصرفی، کالاهای واسطه‌ای و فناوری با کمترین نیاز به جهان خارج برآورده کنیم؛ بنابراین لازم نیست به‌منظور حل مشکلات تعامل با اقتصاد جهانی در سیاست خارجی خود تجدیدنظر کنیم یا برای رفع تحریم‌ها، اعمال محدودیت‌هایی را بر برنامه هسته‌ای خود بپذیریم. سخنان هفته گذشته آقای رئیسی در نشست شورای عالی قوه قضائیه با شورای قضائی استان‌ها را می‌توان همسو با دیدگاه دوم تلقی کرد: «آن‌قدری که برخی آقایان جلسه گذاشتند که از غربی‌ها امتیاز بگیرند، اگر برای رفع موانع تولید وقت می‌گذاشتند خیلی از مشکلات حل شده بود... ما اصحاب «ما می‌توانیم» هستیم». طبعا مقایسه تطبیقی و کامل دو دیدگاه رقیب از زوایا و جوانب مختلف، هرچند بحثی جذاب است، اما در این مقال مختصر نمی‌گنجد، ازاین‌رو فقط به یک نکته خاص اشاره و بسنده می‌کنم:

در شش دهه گذشته و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به‌تدریج بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه با تجدیدنظر در سیاست‌های توسعه خود، فعالیت گسترده‌ای را در راستای گسترش تجارت خارجی و حضور در بازارهای جهانی آغاز کرده‌اند. این تغییر در همان دوران با عنوان انتخاب استراتژی توسعه صادرات به جای استراتژی جایگزینی واردات شناخته می‌شد. در واقع با قدری مسامحه می‌توان دو دیدگاه معرفی‌شده در بالا را مشابه همین دو استراتژی دانست که اولی بر گسترش تجارت و توسعه صادرات توجه دارد و دومی تلاش می‌کند با کاهش وابستگی اقتصاد کشور به خارج، بر بحران ناشی از تحریم‌ها غلبه کند.

کشورهایی که در دهه‌های گذشته به توسعه صادرات و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی روی آوردند، موفق شدند با محقق‌کردن آرمان رشد سریع اقتصادی، در عرصه ایجاد اشتغال کارنامه موفقی داشته باشند و درنهایت دهک‌های پایین درآمدی جامعه‌شان را از چنگال فقر نجات دهند. برای نمونه، چین در سال‌های گذشته توانسته است در سایه رشد اقتصادی سریع خود، صدها میلیون نفر را از زیر خط فقر به بالای آن منتقل کند که رکوردی حیرت‌انگیز و خارق‌العاده است.

اگر شاخص تولید ناخالص داخلی با روش ppp را ملاک قرار بدهیم، اقتصاد جهانی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، یعنی در ۲۹ سال، حدود ۲،۵۴ برابر شده است... .

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

مهم نیست ما به چه کسی رأی دهیم...

علیرضا غریب‌دوست

باز هم بحث انتخابات، باز هم بحث نظارت استصوابی و باز هم رقابت جریان‌های سیاسی! تأکید دارم بر عبارت «جریان‌های سیاسی» به‌جای احزاب و تشکل‌های سیاسی؛ چراکه معتقدم به مفهوم علمی، واقعی و عملیاتی هیچ حزبی در کشور وجود ندارد. هر آنچه به‌عنوان «حزب» در حال حاضر فعالیت می‌کند، تأسیس از بالاست و نه ایجادشده به دست قاعده هرم یعنی مردم. مادامی که تشکل و حزبی از درون اجتماع و از کف خیابان به صحنه سیاست و اجتماع وارد نشود، هر نامی هم داشته باشد، واجد وصف «حزب» نیست. با اشاره به این نکته ظریف که به تفصیل بارها و بارها شاخص‌ترین استادان حقوق و علوم سیاسی به آن پرداخته‌اند و نیازی به شرح آن در این مرقومه کوتاه نیست، نگارنده قصد دارد به بحث انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ از منظر دیگری ورود کند؛ چراکه در این خصوص بسیاری از صاحب‌نظران و اهل قلم، مطالب مهم و ارزشمندی گفته و به آن پرداخته‌اند. دوست بزرگواری در مصاحبه‌ای به تفصیل توضیح داده بود که در شرایط کنونی و به شرط‌ها و شروط‌ها، به چه کاندیدایی رأی خواهد داد. بدون ورود به بحث آن عزیز، معتقدم مهم نیست ما به چه کسی رأی می‌دهیم، مهم نیست ما در انتخابات شرکت می‌کنیم یا نظاره‌گر هستیم؛ مهم این است که مردم کوچه و خیابان توجیهی برای حضور و شرکت در انتخابات داشته باشند، مهم این است که مردم کوچه و خیابان در انتخابات شرکت کنند. می‌دانیم که در جوامع -منصرف از زمان و مکان- سه گروه مردم زندگی می‌کنند؛ گروه نخست، انسان‌های منفعل که با جریان حکمرانی، سیاست و مدیریت اجتماع کاری ندارند و اگر به صحنه سیاست بیایند صرفا بر اثر تهییج، ترغیب و تشویق مقطعی است وگرنه گزینه اصلی آنها همواره عدم مشارکت در امور اجتماعی است. این گروه از مردم، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند. گروه دوم را کنشگران و فعالان اجتماعی تشکیل می‌دهند که حتی اگر در یک حرکت اجتماعی حضور نداشته باشند، بر آن حرکت تأثیر گذاشته و با خلاقیت و ابتکار عمل، تلاش می‌کنند مسیر جامعه را به سمت اهداف خود متمایل کنند؛ خواه این اهداف در راستای منافع شخصی باشد، خواه در راستای نفع عمومی. این گروه در هر اجتماعی اقلیتی تأثیرگذار و بانفوذ را تشکیل می‌دهند که بر گروه سوم و احتمالا بر گروه اول تفوق و تسلط دارند و در حقیقت جوامع را گروه «کنشگران و فعالان اجتماعی و سیاسی» هدایت می‌کنند. گروه سوم را باید میانه این دو گروه دانست که می‌توان این گروه را «کنش‌پذیر» نامید. این گروه در برابر وقایع و اتفاق‌های اجتماعی واکنش نشان می‌دهند و معمولا واکنش‌های این گروه احساسی و مترتب بر هیجان است...

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

جهان در دست‌های ما

ناهید خداکرمی*

این روزها در فضای مجازی با پدیده‌ای به نام کلاب‌هاوس روبه‌رو هستیم که هر فردی با یک گوشی تلفن همراه می‌تواند جهان را در دست‌های خود داشته باشد و به هر گروه اجتماعی که می‌خواهد وارد شود و به تبادل‌نظر و گفت‌وگو بپردازد. اگرچه اپلیکیشن کلاب‌هاوس قبل از پاندمی کرونا در بستر مجازی در دسترس قرار گرفت ولی در ابتدا مورد اقبال چندانی قرار نگرفت و حتی پیش‌بینی می‌شد که در رقابت با سایر اپلیکیشن‌های اجتماعی با شکست مواجه شود اما محدودیت‌هایی که کووید۱۹ بر زندگی مردم جهان تحمیل کرده است، منجر به کاهش یا حتی قطع تعاملات اجتماعی، دورهمی‌های حضوری در کافه‌ها، میهمانی‌ها، گعده‌ها و گپ‌وگفت‌های دوستانه و شب‌نشینی‌های خانوادگی شده بود و به همین دلیل حضور در فضای مجازی به نحو چشمگیری افزایش یافت؛ به‌طوری‌که با تداوم پاندمی، مردمی که در جست‌وجوی یافتن راهی برای رهایی از تنهایی و پرکردن خلأ فعالیت‌های اجتماعی خود بودند، ساعات بیشتری را در فضای مجازی سپری می‌کنند و درنهایت این کلاب‌هاوس بود که توانست بخش اعظم این کمبود را در فضایی متفاوت جبران کند. به‌ویژه این اپلیکیشن برای افراد برون‌گرا که از گفت‌وگو و سخن‌گفتن لذت می‌برند و همچنین تئوری‌پردازان اجتماعی نیز که توانستند بی‌واسطه یافته‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند، جذابیتی دوچندان داشت و نیز فرصتی بی‌بدیل برای کسانی که در جمع قادر به ابراز عقیده و به عبارتی خجالتی هستند، فراهم کرده است. قطعا آنچه در کلاب‌هاوس درحال شکل‌گرفتن است، قادر خواهد بود تا رسانه‌های تصویری و رادیویی جهان را نیز دستخوش تغییرات شگرفی کند و موجب گسترش تولید برنامه‌های گفت‌وگومحور در اتاق‌های شنیداری و دیداری رسانه‌ها شود. ایجاد تحولات غیر قابل پیش‌بینی در جهانی‌سازی نیز دور از ذهن نیست و حتی ممکن است به بستری مناسب برای اجرای تحقیقات کمی و کیفی برای پژوهشگران جامعه‌شناسی، سلامت و اجتماعی تبدیل شود؛ اما آنچه پتانسیل‌های کلاب‌هاوس را در کشور ما ویژه و جذاب جلوه داده است، تشنگی عامه به ابراز عقیده، تبادل‌نظر و گفت‌وگوی آزاد است، به‌طوری‌که برای اولین‌بار گرایش‌های مختلف رودررو و بی‌پرده با هم به صحبت پرداختند و حتی گفت‌وگو با برخی مقامات رسمی کشور که صحبت با آنها در یک فضای عمومی رؤیایی بیش نبود، به تحقق پیوست.

ادامه در صفحه ۹

خبر به وقت شرق

به

تلگرام شرق

بپیوندید

@sharghdaily

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی

۸۶۰۳۶۱۱۹

sharghdaily.ir